

اشعیا ایش 25

6 و یهوه صباپوت در این کوه برای همه قوم‌ها ضیافتی از لذایذ برپا خواهد نمود، یعنی ضیافتی از شرابه‌های کهنه از لذایذ پر مغز و از شرابه‌های کهنه مصفاً.

7 و در این کوه روپوشی را که بر تمامی قوم‌ها گسترده است و ستیری را که جمیع امت‌ها را می‌پوشاند تلف خواهد کرد.

8 و موت را تا ابدالآباد نابود خواهد ساخت و خداوند یهوه اشکها را از هر چهره پاک خواهد نمود و عار قوم خویش را از روی تمامی زمین رفع خواهد کرد، زیرا خداوند گفته است.

9 و در آن روز خواهند گفت: «اینک این خدای ما است که منتظر او بوده‌ایم و ما را نجات خواهد داد. این خداوند است که منتظر او بوده‌ایم پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد.»

اول یوحنا ایش 3

13 ای برادران من، تعجب مکنید اگر دنیا از شما نفرت گیرد.

14 ما می‌دانیم که از موت گذشته، داخل حیات گشته‌ایم از اینکه برادران را محبت می‌نماییم. هر که برادر خود را محبت نمی‌نماید در موت ساکن است.

15 هر که از برادر خود نفرت نماید، قاتل است و می‌دانید که هیچ قاتل حیات جاودانی در خود ثابت ندارد.

16 از این امر محبت را دانسته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم.

17 لکن کسی که معیشت دنیوی دارد و برادر خود را محتاج ببیند و رحمت خود را از او باز دارد، چگونه محبت خدا در او ساکن است؟

18 ای فرزندان، محبت را به‌جا آریم نه در کلام و زبان بلکه در عمل و راستی.

لوقا ایش 14

16 به وی گفت، شخصی ضیافتیعیظیم نمود و بسیاری را دعوت نمود.

17 پس چون وقت شام رسید، غلام خود را فرستاد تا دعوت شدگان را گوید، بیایید زیرا که الحال همه‌چیز حاضر است.

18 لیکن همه به یک رای عذرخواهی آغاز کردند. اولی گفت، مزرعه‌های خریدم و ناچار باید بروم آن را ببینم، از تو خواهش دارم مرا معذور داری.

19 و دیگری گفت، پنج جفت گاو خریده‌ام، می‌روم تا آنها را بیازمایم، به تو التماس دارم مرا عفو نمایی.

20 سومی گفت، زنی گرفته‌ام و از این سبب نمی‌توانم بیایم.

21 پس آن غلام آمده مولای خود را از این امور مطلع ساخت. آنگاه صاحب خانه غضب نموده، به غلام خود فرمود، به بازارها و کوچه‌های شهر بشتاب و فقیران و لنگان و شلّان و کوران را در اینجا بیاور.

22 پس غلام گفت، ای آقا آنچه فرمودی شد و هنوز جای باقی است.

23 پس آقا به غلام گفت، به راه‌ها و مرزها بیرون رفته، مردم را به الحاح بیاور تا خانه من پر شود.

24 زیرا به شما می‌گویم هیچیک از آنانی که دعوت شده بودند، شام مرا نخواهد چشید.